



زینت یارز امام علی(ع) زهد بوده است/ پیامبری که هیچ گاه آرد نانش الک نشد

صفت زهد در وجود مقدس امیرالمؤمنین علی(ع) چنان است که پیامبر اکرم(ص) فرمود: ای علی! خداوند ترا زینتی داده که محبوبتر از آن، زینتی به بندگانش نداده و آن زینت نیکان است که همان زهد در دنیا است خداوند تو را چنان آفرید که از دنیا بهره ای نداری و دنیا چیزی از تو نمی کاهد.

خبرگزاری مهر - صفت زهد در وجود مقدس امیرالمؤمنین علی(ع) چنان است که پیامبر اکرم(ص) فرمود: ای علی! خداوند ترا زینتی داده که محبوبتر از آن، زینتی به بندگانش نداده و آن زینت نیکان است که همان زهد در دنیا است خداوند تو را چنان آفرید که از دنیا بهره ای نداری و دنیا چیزی از تو نمی کاهد.

امام علی(ع) در خطبه هشتاد و یکم نهج البلاغه درباره زهد فرموده است: «ای مردم! زهد یعنی کوتاهی آرزو، شکر و سپاس در برابر نعمت و پارسائی در مقابل گناه! اگر نتوانستید همه این صفات را فراهم سازید مواظب باشید حرام بر اراده و صبر شما پیروز نگردد و در برابر نعمتها شکر منعم را فراموش نکنید، چه اینکه خداوند با دلائل روشن و آشکار عذرها را قطع کرده و با کتابهای خود بهانه را به روشنی از بین برده است.»

امام علی(ع) بعد از خاتمه جنگ جمل وارد شهر بصره شد. در خلال ایامی که در بصره بود، روزی به عیادت یکی از یارانش بنام علاء بن زیاد حارثی رفت. این مرد، خانه مجلل و وسیعی داشت. علی همین که آن خانه را با آن عظمت و وسعت دید، به او گفت: این خانه به این وسعت، به چه کار تو در دنیا می خورد، در صورتی که به خانه وسیعی در آخرت محتاج تری؟! ولی اگر بخواهی می توانی که همین خانه وسیع دنیا را وسیله ای برای رسیدن به خانه وسیع آخرت قرار دهی به اینکه در این خانه از مهمان، پذیرایی کنی، صله رحم نمایی، حقوق مسلمانان را در این خانه ظاهر و آشکارا کنی، این خانه را وسیله زنده ساختن و آشکار نمودن حقوق قرار دهی و از انحصار مطامع شخصی و استفاده فردی خارج نمایی. علاء گفت: یا امیرالمؤمنین! من از برادرم عاصم پیش تو شکایت دارم چه شکایتی داری؟ تارک دنیا شده، جامه کهنه پوشیده، گوشه گیر و منزوی شده همه چیز و همه کس را رها کرده.

امام گفتند: او را حاضر کنید! عاصم را احضار کردند و آوردند. علی(ع) به او رو کرد و فرمود: ای دشمن جان خود! شیطان عقل تو را ربوده است، چرا به زن و فرزند خویش رحم نکردی؟ آیا تو خیال می کنی که خدایی که نعمتهای پاکیزه دنیا را برای تو حلال و روا ساخته ناراضی می شود از اینکه تو از آنها بهره ببری؟ تو در نزد خدا کوچکتر از این هستی. عاصم گفت: یا امیرالمؤمنین! تو خودت هم که مثل من هستی، تو هم که به خود سختی می دهی و در زندگی بر خود سخت می گیری، تو هم که جامه نرم نمی پوشی و غذای لذیذ نمی خوری، بنابراین من همان کار را می کنم که تو می کنی و از همان راه می روم که تو می روی. اشتباه می کنی، من با تو فرق دارم، من سمتی دارم که تو نداری، من در لباس پیشوایی و حکومت، وظیفه حاکم و پیشوا وظیفه دیگری است خداوند بر پیشوایان عادل فرض کرده که ضعیفترین طبقات ملت خود را مقیاس زندگی شخصی خود قرار دهند و آن طوری زندگی کنند که تهیدست ترین مردم زندگی می کنند تا سختی فقر و تهیدستی به آن طبقه اثر نکند، بنابراین، من وظیفه ای دارم و تو وظیفه ای.

خلیفه و جانشین رسول خدا در جامعه اسلامی در رأس هرم قدرت قرار دارد تمام ثروتهای ملی و اموال عمومی در اختیار اوست و هم اوست که می تواند به هر صورتی در این اموال دخل و تصرف کند. اندکی گرایش به دنیا کافی است که رهبر جامعه اسلامی را از طریق عدل و انصاف خارج کرده به سوء استفاده از قدرت و موقعیت خود، زیاده طلبی و مال اندوزی کشاند جامعه اسلامی در این باب تجربه های تلخی دارد افراد زیادی بنام خلیفه رسول خدا بر مسند رهبری جامعه تکیه زدند، ولی با مردم به شیوه قیصر و کسری رفتار کردند بنابراین یکی از صفاتی که برای رهبر جامعه اسلامی ضروری و اجتناب ناپذیر است، زهد و بی رغبتی به دنیا است.

صفت زهد در وجود مقدس امیرالمؤمنین علی(ع) چنان است که پیامبر اکرم(ص) فرمود: یا علی ان الله قد زینک بزینة لم یزین العباد بزینة احب منها و هی زینة الا برار عند الله و هی الزهد فی الدنيا فجعلک لا ترز من الدنيا شیئا و لا ترز الدنيا منک شیئا! ای علی! خداوند ترا زینتی داده که محبوبتر از آن، زینتی به بندگانش نداده است و آن زینت نیکان است که همان زهد در دنیا است خداوند تو را چنان آفرید که از دنیا بهره ای نداری و دنیا چیزی از تو نمی کاهد.

زهد آن حضرت چه در زمان خلافت و چه پیش از آن، چنان ظهوری داشت که اسطوره ها آفرید اینک به چند نمونه از تجلی زهد و بی اعتنائی آن امام همام به دنیا و مظاهر آن اشاره می کنیم. امیرالمؤمنین علی(ع) در زمان خلافت خود و در حالی که تمام ثروتهای جامعه اسلامی را در اختیار داشت، لباس وصله دار می پوشید، نان خشک و غذای ساده می خورد و معاش خانواده خود را ازدست رنج خود اداره می کرد. سوید بن غفله می گوید: در دارالاماره، خدمت علی بن ابیطالب(ع) رسیدم دیدم حضرت نشسته و کاسه ای شیر ترش که بوی ترشی آن از دور به مشام می رسد، پیش رو دارد و تکه ای نان خشک در دست گرفته که تکه های پوست جو در سطح آن به چشم می خورد نان را با دست و گاهی با کمک زانو تکه تکه می کند و در شیر می اندازد وقتی مرا دید فرمود: نزدیک بیا و از غذای ما بخور. من عرض کردم: روزه دارم فرمود: از

رسول خدا شنیدم که هر کس به خاطر روزه از خوردن آنچه میل دارد چشم بپوشد بر خدا سزاوار است که از طعام و شراب بهشت بهره مندش کند.

سوید می گوید: کنیز حضرت آنجا ایستاده بود به او گفتم چرا در حق این پیرمرد، از خدا نمی ترسید؟ چرا آرد نانش را صافی نمی کنید و این دانه های درشت را از آن نمی گیرید؟ گفت: حضرت به ما دستور داده است هیچ گاه آرد نانش را الک نکنیم حضرت متوجه صحبت ما شد فرمود: به او چه می گویی؟ من سخن خود را برای او باز گفتم. حضرت در پاسخ من فرمود: پدر و مادرم فدای آنکه هیچ گاه آرد نانش الک نشد و هرگز سه روز پی در پی خود را از نان گندم سیر نکرد تا خدایش به نزد خویش برد. منظور حضرت از این کلام اشاره به سیره رسول مکرم اسلام است.

دیگری می گوید: در روز عید قربان، خدمت امیرالمؤمنین علی(ع) رسیدم حضرت، آبگوشتی به ما تعارف کرد گفتم: با این همه نعمت که خدا عنایت کرده خوب بود گوشت اردک برایمان فراهم می کردی. حضرت فرمود: از رسول خدا(ص) شنیدم که می فرمود: خلیفه از مال خدا جز دو کاسه حقی ندارد کاسه ای که خود و خانواده اش بخورد و کاسه ای که به مردم تعارف کند. نوشته اند: برای حضرت فالوده ای هدیه آوردند ظرف فالوده را پیش رو نهاد، به آن نگریست و فرمود: خوش رنگ و بویی و طعم خوبی داری، ولی من خود را به چیزی که عادت ندارم عادت نمی دهم. در زمان خلافتش او را دیدند که در میدان کوفه شمشیری را به معرض فروش گذاشته، می فرماید: خریدار این شمشیر کیست؟ به خدا با این شمشیر بارها غبار غم از چهره رسول خدا(ص) زدوده ام و اگر پول یک تکه لباس داشتم، این را نمی فروختم. در همان حالی که درآمد سالانه املاکی که وقف کرده بود به چهل هزار دینار می رسید، خود از گرسنگی سنگ به شکم می بست. او را در بازار کوفه دیدند، خرمایی را که برای مصرف خانواده خویش خریده در پارچه ای ریخته، بر دوش حمل می کند علاقه مندان به یاری وی شتافتند و از حضرتش خواستند که اجازه دهد آنرا به خانه برسانند. فرمود: پدر خانواده به حمل این بار سزاوارتر است.

وقتی نزد عمر بن عبدالعزیز خلیفه اموی سخن از زهد می گویند و زاهدان را نام می بردند او می گوید: زاهدترین مردم در دنیا علی بن ابیطالب(ع) است.